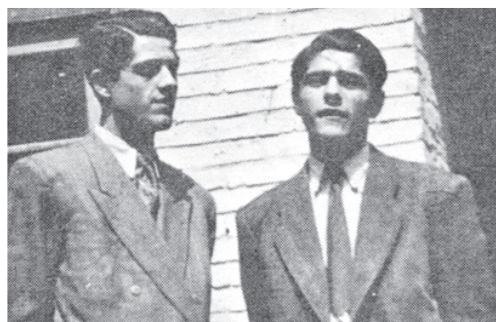


همیشه‌ای فرهنگ‌سهر



جلال آل احمد در کنار برادرش شمس آل احمد



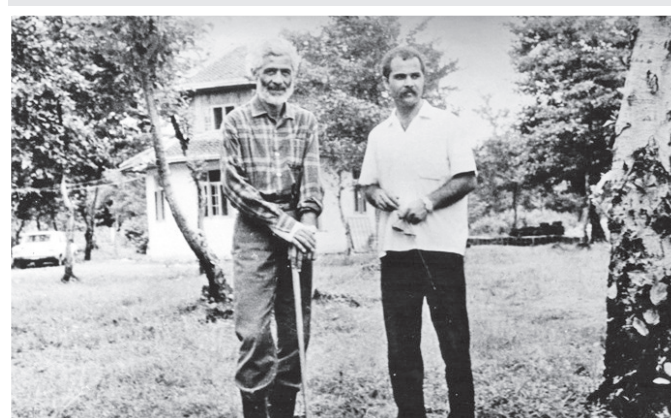
جلال آل احمد در کنار پدرش



جلال آل احمد در سفر به تیز-۱۳۴۵



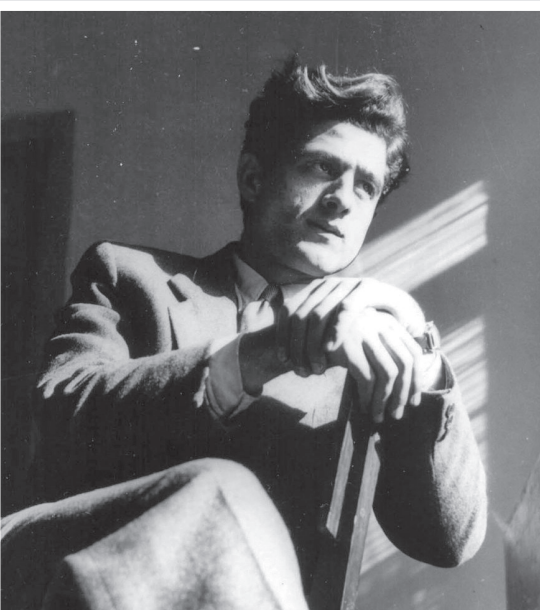
جلال آل احمد در کنار دکتر هانس اشتراسر در حاشیه یکی از ایرانگردیها



جلال در کنار مصطفی شجاعیان در واپسین روزهای حیات، اسالم گیلان



جلال آل احمد در لباس محلی در حاشیه یکی از سفرها در دهه ۱۳۳۰



جلال آل احمد در دهه ۳۰

دیدار و گفت‌وگو با عبدالعلی دستغیب، تنها دوست بازمانده جلال آل احمد

جلال، رُک و صریح بود

این کتاب تجربیات شخصی خود را به‌عنوان یک معلم که برای تدریس به روستایی می‌رود و مردم آن روستا را خرافات زده می‌یابد، بیان می‌کند. جلال البته بیشتر اُزیناسیونر بود؛ درست مانند احمد محمود و محمود دولت‌آبادی. این دست نویسندگان در آثارشان به تحریک سیاسی مردم می‌پرداختند و مردم را علیه حیات حاکمه می‌شوراندند.

مدیر مدرسه چطور؟ زبان پرطمطراقی دارد. از عبارات‌هایی مثل «همپالکی»، «دنگم گرفته بود» و ... استفاده می‌کند که آن روزها در ادبیات ما سابقه نداشت. پله. درست است، اما در عین حال باید بدانید که داستان‌های آل احمد شکل داستان داشت. آل احمد به‌دلیل وجود و حضورش در کانون نویسندگان و اینکه روشنفکر تأثیرگذار و صاحب نفوذی بود، می‌تواند همچنان بررسی شود. او زبان صریح و رکی داشت.

از دیگر کتاب‌ها و ترجمه‌هایش چه؟ آنها از چه عباری برخوردارند؟

جلال در مقاله‌نویسی سرآمد بود. سفرنامه‌های او هم می‌تواند در همین زمینه ثبت و ضبط شود. سفرنامه به آمریکا، روسیه و خسی در میقات و سفر به ولایت عزرائیل جزو شاخص‌ترین

جلال در مقاله‌نویسی سرآمد بود و خسی در میقات و سفر به ولایت عزرائیل جزو شاخص‌ترین تجربیاتش را مستقیم بیان می‌کند برای مخاطب جالب توجه است. این را هم بگویم که جلال همواره خودش بود؛ آدمی عصبی مزاج و عجول

آثار او به شمار می‌روند. چرا جلال به‌عنوان نویسنده و مقاله‌نویس سیاست را دنبال می‌کرد؟ او مدتی به همراه ابراهیم گلستان به عضویت حزب توده در آمد. ابراهیم گلستان خیلی زود دریافت که اوضاع از چه قرار است و به همین دلیل راه خودش را از دیگر نویسندگان به کلی جدا کرد. جلال اما رک و صریح بود. اگر از کسی یا چیزی بدش می‌آمد، سریع و آکنش نشان می‌داد. اهل مدارا و مامشات نبود. معمولاً اغلب روشنفکران در دوران پهلوی دوم وقتی در یاد موافق قرار می‌گرفتند و خطری تهدیدشان نمی‌کرد شعار سیاسی سر می‌دادند و بز اپوزیسیون می‌گرفتند. وقتی احساس خطر می‌کردند، سکوت اختیار می‌شد. اما جلال عکس این موضوع رفتار می‌کرد. سرش درد می‌کرد برای سر و صدا. در مواقعی که احساس خطر هم می‌کرد دل قرصی داشت و فریاد برمی‌آورد.

از او خاطره هم یاد دارید؟

بله. روزهای سه‌شنبه، همراه سیمین دانشور نزد او به یکی از کافه‌های تهران می‌رفتم. جمعه‌ها هم آنقری برای کوهنوردی آماده بودیم. معاشرت با جلال برای هر کسی خوشایند بود. آدم دهن‌گرم، پر دل و خوش‌سخنی بود که کسی را در عین حال نمی‌رنجاند.

قبلاً از زبان شما شنیدیم که با غلامحسین سعادی اختلاف نظر داشتند. درست است؟

بله. اختلاف نظر داشتند، اما سعادی همواره برای جلال احترام قائل بود و دوستش می‌داشت.

ترجمه‌های جلال از زبان فرانسه چگونه بود؟

قمارباز داستایوفسکی و بیگانه نوشته کامو که اغلب اهل ادبیات آن را دارند و خوانده‌اند.

ان‌آن ترجمه‌های جدید و مترجمان جدید وارد عرصه شده‌اند. ترجمه‌های جلال با همان زبانی بود که خود آموخته و شکسته‌بسته یاد گرفته بود. تلاشش در همان حد بود؛ نه بیشتر و نه کمتر.

جلال معمولاً در چه عرصه‌هایی موفق ظاهر می‌شد؟

به مدیر مدرسه اشاره کردید که آن هم به‌دلیل تجربه خودش در سکوت یک معلم است. هر جا که جلال تجربیاتش را مستقیم بیان می‌کند برای مخاطب جالب توجه است. این را هم بگویم که جلال همواره خودش بود؛ آدمی عصبی مزاج و عجول. مجموعه‌ای هم با عنوان «یادداشت‌های شناخته‌ده» دارد. شناخته‌ده‌گی در خودش بود و همانطور که گفتم رک و صریح. با کسی و چیزی تعارف نداشت.

شما زاده شیرازید و خیلی زود به تهران آمدید. با هم به مسافرت هم می‌رفتید؟

بله. اتفاقاً جلال اصراً داشت که یک‌بار او را به شیراز دعوت کنم. با سیمین دانشور و جلال به شیراز آمدم و خیلی عجله داشت که با نویسندگان، شاعران و روشنفکران این شهر آشنا شود. در آن سفر او را به مکان‌های تاریخی شیراز بردم. کتیبه‌ها را می‌دید و برای خودش در دفترچه یادداشتی که به همراه داشت، چیزهایی می‌نوشت. جست‌وجوگر بود. دوستی با جلال برای هر مصاحبی خوشایند بود.

در داستان نویسی از چه اعتباری برخوردار بود؟

اگر او را با مثلاً صادق چوبک مقایسه کنیم، می‌بینیم که چوبک به مراتب از او جلوتر است. البته چوبک داستان‌های ضعیف هم زیاد دارد. اما جلال هر جا که خودش بوده و تجربیات زیسته خودش را به رشته تحریر درآورده، نوشته‌هایش، شکلی از داستان پیدا کرده است. اما امروز او را به‌عنوان روشنفکری که مقاله‌ها و سفرنامه‌های جذابی نوشته است باید به جای آوریم. سفرنامه‌های جلال ماندگار است.

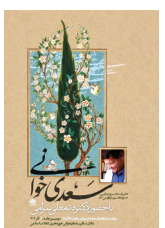
دریچه



برگزاری نشست

«صد کتاب ماندگار قرن»

دومین نشست از سلسله نشست‌های «صد کتاب ماندگار قرن» که به بررسی و معرفی ۱۰۰ کتاب مؤثر و مهم تالیفی ۱۰۰ سال اخیر اختصاص دارد، روز یکشنبه ۱۲ آذرماه، ساعت ۱۵ در محل اندیشه‌ساز فرهنگی این سازمان برگزار می‌شود. در این نشست تخصصی سیدصادق سجادی، پژوهشگر تاریخ و متون و بهرام پروین گنایادی، پژوهشگر زبان و ادب فارسی درباره کتاب «بسیست مقاله قزوینی» علامه قزوینی صحبت خواهند کرد. نخستین نشست از سلسله نشست‌های معرفی «صد کتاب ماندگار قرن» در سسی و یکمین دوره هفته کتاب برگزار شد که به معرفی کتاب «تاریخ پیامبر اسلام» اثر محمدابراهیم آیتی و «نثر طوبی؛ دایره‌المعارف لغات قرآن کریم» اثر علامه ابوالحسن شعرانی اختصاص داشت.



برپایی سومین جلسه سعدی خوانی

سومین جلسه «سعدی خوانی» با حضور قدملی سزّامی، شاعر و پژوهشگر ایرانی، با هدف ارائه ظرفیت‌های زبانی و ادبی سعادی در آثارش، شنبه ۱۱ آذر در سالن سلمان هراتی حوزه هنری برگزار خواهد شد. قدملی سزّامی در این جلسه بوستان سعادی را آغاز خواهد کرد و به شرح و تحلیل آن می‌پردازد.

سعدی یکی از رکن‌های اصلی شعر و زبان ادبیات فارسی و دارنده زبانی فصیح در کلام و نگاهی خلاق در شعر و روایتی تعلیمی و تربیتی متعادل در پرداخت به مسائل و امور انسانی است و مقبولیت زیادی هم از جانب طیف‌های مختلف اجتماعی دارد؛ به همین خاطر، دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری، این سلسله جلسات را با هدف ارائه ظرفیت‌های زبانی و ادبی سعادی در آثارش برای علاقه‌مندان به این شاعر و ادیب بزرگ زبان و ادبیات فارسی برگزار می‌کند.

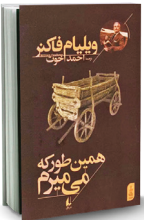


کتابخانه خواجه عبدالله انصاری هروی در تهران

مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در همکاری و همیاری با اداره اطلاعات فرهنگ هرات، میزبان کتابخانه‌ای تخصصی با نام «خواجه عبدالله انصاری هروی» در مقر مرکز در تهران خواهد بود تا محققان، اندیشمندان و دانشجویان رده‌های علمی مر تبط بتوانند از این منابع به‌رایگان بهره‌برداری کنند. باهدف توسعه همکاری‌های فرهنگی و افزایش بیش از پیش معرفت دانایی و نیز هم‌افزایی میان ۲ ملت ایران و افغانستان که در یرنگی آن پیشینه‌ای کهن به قدمت زبان و تاریخ است، ۲ هزار جلد کتاب از سوی اداره اطلاعات و فرهنگ هرات افغانستان به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی اهدا شد که در آینده نزدیک رونمایی خواهد شد.

رمان

همین طور که می‌میرم



رمان «همین طور که می‌میرم» نوشته نویسنده نامدار ویلیام فاکتر است که احمد اخوت آن را به فارسی برگرداند و از سوی نشر آفق منتشر شده است.

این رمان را اول بار زنده‌یاد نجف دریابندری با عنوان «گور به گور» به فارسی برگردانده بود. رمان داستان خواندنی و پرکشش و البته نفسگیر ویلیام فاکتر است از داستان حماسه‌گونه و سفر ادبسه‌وار خانواده‌ای به نام «بوندرن»‌ها که برای خاکسپاری همسر و مادر خانواده به نام «آدی» مسیری طولانی را طی می‌کنند. داستان کتاب که به نوبت، توسط تک‌تک اعضای خانواده (حتی خود آدی) روایت می‌شود، سبک‌های متنوعی دارد و از کمدی سیاه تا تراژدی را در برمی‌گیرد. رمان در ۹ بخش و توسط ۱۵ شخصیت به مخاطب ارائه شده و داستان مرگ آدی بوندرن و خانواده فقیر و روستایی‌اش را بازگو می‌کند. بوندرن‌ها تصمیم دارند به وصیت آدی عمل کرده و او را در زادگاهش، جفرسون واقع در می‌سی‌سی‌پی، دفن کنند. در آغاز داستان، آدی زنده، اما بسیار مریض و ناخوش احوال است. همه از جمله خود آدی، مرگ را قریب‌الوقوع دانسته و او با نخستین بر لب پنجره، مراحل ساخت تالوتش را به‌دست فرزند ارشد خود، به نظاره می‌نشیند؛ درحالی که همسرش مانند اغلب اوقات در ایوان و می‌گذراند و دخترش دویی دل، به‌باد زدن و خنک کردن او مشغول است. شب پس از مرگ آدی، باد و بارانی سخت و شدید در گرفته و بالا آمدن سطح رودخانه‌ها، پل‌های منتهی به جفرسون، محل خاکسپاری مادر خانواده و مقصد بوندرن‌ها را خراب می‌کند.

این رمان در سال ۱۹۳۰، مدت کوتاهی پس از انتشار خشم و هیاهو، منتشر شد و فاکتر «همین طور که می‌میرم» را چنان‌که خود در مصاحبه‌های مختلف گفته، بیشتر از آثار دیگرش دوست داشته است. او هنگامی شروع به نوشتن این رمان کرد که در نیروگاه برق دانشگاه می‌سی‌سی‌پی در شهر آکسفورد نگهبان شب بود. به گفته خودش، در اتاق پشت دستگاه مولد برق، فرغونی را وارونه و از آن به جای میز استفاده می‌کرد. در صدای هوهوی دستگاه تا ۴ صبح می‌نوشت؛ یعنی وقتی که باید دوباره کوره (زغال‌سنگی) آتش را تمیز و آن را روی‌راه می‌کرد.

نشر آفق رمان «همین طور که می‌میرم» را در ۲۹۶ صفحه، به بهای ۲۶۰ هزار تومان منتشر کرده است.

سفرنامه

ایران



کتاب «ایران» نوشته‌ایتالو کالونو را غلامرضا امامی به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی نشر رابید راهی بازار نشر شده است.

کالونو، نویسنده یکی از برترین‌اننده‌ترین متن‌های تاریخ ادبیات - همان «بارون» درخت‌نشینیه که در روز ۱۵ ژوئن ۱۷۶۷ سر میز ناهار، به اعتراض بشقاب خوراک حلزون را کنار زد و برای همیشه خانواده اشرافی‌اش را ترک کرد و ساکن درخت‌ها شد - چندسالی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ را در دیپلماتی زیبا به ایران آمد و شیراز، تخت جمشید، اصفهان و یزد را دید و از کاخ‌ها، سنگ‌نشته‌ها، نقش‌ها و محراب‌ها، عشاریر و آتشکده‌ها نوشت و شرح زیرکانه‌اش را از آنچه در این سرزمین دیده و شنیده بود، در چند یادداشت برای ما به یادگار گذاشت.

کالونو که در جنگ جهانی دوم در قامت پار تیزانی از جبهه مقاومت ایتالیا علیه فاشیسم جنگید، در متن‌های گرد آمده در کتاب «ایران» نیز این روح آزادش را نمود داده و در ماجرای شاهان و مردمان، متمدانه سمت مردم استفاده است. ایران، روایت کوچک تلاشش را کرده تا تصویری در خور از ما شرفیان غمگین همیشه تاریخ بسازد.

ایتالو کالونو (زاده ۱۸۵۵ اکتبر ۱۹۲۳ - درگذشته ۹ سپتامبر ۱۹۸۵) نویسنده رمان و داستان کوتاه ایتالیایی است. وی سبک ادبی خاص خود را داشت که می‌توان آن را سوررئال یا پست‌مدرن توصیف کرد. سه‌گانه «نیاکا ما» (شامل شوالیه ناموجود، ویکت شقه‌شده و بارون درخت‌نشین) و شهرهای نامرئی و یادداشت برای هزاره بعدی از تحسین‌شده‌ترین آثار او هستند که به فارسی هم ترجمه شده‌اند و به چاپ‌های متعدد رسیده‌اند. یکی دیگر از رمان‌های معروف او که در ایران و نزد فارسی‌زبانان مخاطبان بسیاری دارد، اثری است با عنوان «اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری».

کالونو را یکی از مهم‌ترین نویسندگان ایتالیایی قرن بیستم می‌دانند. نشر رابید این کتاب ۴۶ صفحه‌ای را با ترجمه غلامرضا امامی به بهای ۸۵ هزار تومان منتشر کرده است.

